

تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان کوتاه دیه اثر عمر سیف‌الدین

بهروز بیک بابای*

استادیار زبان و ادبیات ترکی استانبولی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۳۰، تاریخ تصویب: ۹۵/۰۳/۰۱)

چکیده

دیه اثر عمر سیف‌الدین نویسنده ترک، داستانی آموزنده و مورد توجه نسل‌های بعدی خود است. بدون توجه به ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده یک اثر نمی‌توان به درک نوین و عمیق‌تری از آن رسید. گرچه شخصیت و شخصیت‌پردازی بیشتر مربوط به رمان است و در داستان کوتاه، فرصت پردازش شخصیت وجود ندارد، اما شخصیت و شخصیت‌پردازی از جمله مواردی است که در ساختار داستان کوتاه دیه درخور توجه و تأمل است. این مقاله به شیوه تحلیلی-توصیفی، در ابعاد گوناگون به بررسی عنصر داستانی شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان دیه پرداخته است. نویسنده از شیوه‌ها و گونه‌های مختلف شخصیت‌های داستانی برای خلق و پرداخت شخصیت‌ها استفاده کرده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته و قرار گرفتن اثر در حوزه داستان کوتاه، عمر سیف‌الدین هنگام نوشتن داستان دیه به کیفیت عناصر داستان و انسجام آن توجه بسیار داشته است که این امر در بخش شخصیت‌ها نمود بیشتری را دارد.

واژه‌های کلیدی: شخصیت، شخصیت‌پردازی، عمر سیف‌الدین، دیه، داستان کوتاه، نویسنده ترک.

۱- پیشینه تحقیق

درباره شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان در معنای بلند و کوتاه و کوتاه کوتاه آن، پژوهش‌های مختلف و ارزشمندی صورت گرفته است که ما نیز از مطالعه آن‌ها بی‌نیاز نبوده‌ایم؛ در ترکیه همایشی به مناسبت بزرگداشت فعالیت‌های ادبی عمر سیف‌الدین برگزار شده است و مقالات متعددی در این همایش ارائه گردید و آثار وی از جهات مختلفی بررسی گردیده است (همایش از دیروز تا امروز عمر سیف‌الدین، ۲۰۰۸) اما به نوشته‌ای که مستقیماً به بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان ترکی دیه از عمر سیف‌الدین پردازد، برنخوردم؛ بنابراین، نوشته پیش‌رو برای اولین بار به انجام می‌رسد.

۲- سؤالات تحقیق

- آیا در داستان کوتاه دیه، نویسنده توانسته است از شیوه‌های مختلف شخصیت‌پردازی بهره ببرد؟
- آیا نویسنده برای شخصیت‌پردازی در داستان کوتاه دیه، توانسته از شیوه مستقیم توصیف، در اثبات هنر داستان‌نویسی خود و ابلاغ پیام اصلی داستان مدد بگیرد؟
- آیا در داستان دیه، بهره‌گیری از عناصر مختلف داستانی، درست و هنرمندانه صورت گرفته است؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد عمر سیف‌الدین، به ساحات مختلف داستان کوتاه، آن هم از نوع رئالیستی آن و حضور چگونگی شخصیت‌ها در آن آشناست.
- به نظر می‌رسد رئالیستی بودن داستان دیه موجب شد تا شیوه‌های شخصیت‌پردازی از جریان داستان تبعیت کند؛ یعنی جریان داستان بر فن روایت غلبه بکند.
- به نظر می‌رسد یکی از هنرهای اصلی سیف‌الدین در ساخت و پرداخت شخصیت‌های داستان کوتاه دیه، بهره‌گیری حرفه‌ای از شیوه توصیف مستقیم است؛ چیزی که در داستان کوتاه، اغلب با ناکامی مواجه بوده است.
- گرچه در داستان کوتاه، نمی‌توان چندان از عناصر مختلف داستانی بهره گرفت، به نظر می‌رسد مهارت سیف‌الدین توانسته عناصر مختلف داستانی چون گفت‌وگو، زاویه دید، پیرنگ و... را در یک همایی قابل قبولی در کنار هم بنشانند، که این امر نقش برجسته‌ای در رساندن پیام اصلی داستان به مخاطب، داشته است.

۳- مقدمه

ادبیات داستانی در تکوین میراث و هویت فرهنگی و ادبی هر جامعه از نقش بنیادین و سازنده‌ای برخوردار است. در داستان کوتاه، تغییر شخصیت خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد و اگر هم چنین بشود، تغییری ناچیز است که زمینه آن باید به خوبی فراهم شده باشد. کم بودن فضای داستان کوتاه و محدودیت آن موجب می‌شود که زمینه برای تغییر فراهم نشود و ایجاد تغییر کاری دشوار است. بدین سبب گفته‌اند که در داستان کوتاه شخصیت قبلاً تکوین یافته و قوام گرفته است و پیش چشم خواننده منتظر، در گیرودار کاری است که قبلاً وقوع یافته اما به نتیجه نهایی خود نرسیده است.

آفرینش شخصیت شاید هیجان‌انگیزترین وجه داستانی باشد. نویسنده با خلق یک شخصیت گویی به آفرینش انسانی دست می‌زند که می‌تواند مختارانه در ماجرای داستان حضور یابد و تأثیرگذار باشد. در واقع همین آفرینش شخصیت، نویسنده را مانند خالقی می‌سازد و او را دچار تجربه‌ای غریب اما لذت بخش می‌سازد.

دیدگاه صاحب‌نظران درباره تعداد و درجه اهمیت این عناصر متفاوت است؛ اما همه آنان شخصیت را عنصری مهم در داستان می‌دانند. هر داستان از عناصری چون موضوع، درون‌مایه، شخصیت، دیدگاه، صحنه، زبان و غیره تشکیل می‌شود. شخصیت‌ها در هر داستان با مجموعه‌ای از رفتار، گفتار و افکاری که بوسیله نویسنده به آنها داده می‌شود، ایفای نقش می‌کنند. شخصیت‌پردازی با آوردن و معرفی شخصیت در داستان کامل نمی‌شود، بلکه نویسنده باید شخصیت را از آغاز داستان تا پایان به آگاهی و شناختی تازه برساند. شخصیت داستانی موقع ورود به داستان از خود هویتی مشخص نشان نمی‌دهد با پیشرفت داستان شخصیت در حوادث شرکت می‌کند و در طول زمان دگرگون می‌شود. در واقع شخصیت با مجموعه‌ای از درون‌نگری‌ها و ادراکات ظریف و تدریجی عمق می‌یابد و این عمق با گسترش ادراک اولیه وی ایجاد می‌شود. این ادراک هم از درون (از طریق افکار، عواطف و عقاید باطن شخصیت) گسترش می‌یابد و هم از بیرون (از طریق تأثیر حوادث بیرونی) که البته گاهی این دو نوع گسترش ادراک هم‌زمان و گاهی به طور متناوب اتفاق می‌افتد. شخصیت هنگامی کم‌کم عمق پیدا می‌کند که حوادث بیرونی وی را در راه رسیدن به امیالش تحت فشار بگذارند و نیز وقتی که شخصیت مجبور شود تمایلات اولیه‌اش را تبدیل کند. خوانندگان همگی از نویسنده می‌خواهند که تغییر شخصیت‌ها را نشان دهد. برای اثبات تغییر شخصیت باید نشان داد که چگونه زندگی شخصیت تحت تأثیر چیزی قرار گرفته است.

در تغییر شخصیت باید تغییر پذیرفتنی و باور کردنی باشد. شخصیت بد، برای رفتارهای خود دلایل قانع‌کننده بسیاری چون فقر، مشکل روانی، حس انتقام و بیکاری دارد و اعمالش در سایه انگیزه‌هایش قابل توجیه است.

۴- خلاصه داستان

استاد علی مردی است میانسال که در آهنگری تبحر دارد. در دوازده سالگی پدرش را از دست داده و قیومیتش به عمویش واگذار شده است. عموی وی وزیر بود و از آنجا که افکار عمو و علی در یک راستا نبود، علی بی‌خبر وی را ترک می‌کند. علی مدتی در کوه، دشت و شهرها سرگردان بود تا در ارزروم نزد آهنگری پیر فنون آهنگری را آموخت و به شهرت رسید. تولیدات علی که مقاوم و سبک بود در تمام آناتولی زبانزد شد. علی لقب «استاد علی» را می‌گیرد. در شهری ساکن است، مردم شهر او را به خوبی نمی‌شناسند و از گذشته او بی‌خبرند. با این حال او را دوست دارند و از او به دلیل سلاح‌هایی که می‌سازد قدردانی می‌کنند. روزی استاد علی برای اقامه نماز شبانگاه می‌رود. پس از نماز به سخنان دو درویش طریقت مولویه گوش می‌دهد سپس برای فکر کردن در شهر قدم می‌زند. به سمت منبع آب چشمه می‌رود و چند ساعت در آنجا می‌نشیند. ژاندارمها به سراغش می‌روند و از او می‌خواهند که به خانه‌اش برگردد زیرا هرکس که می‌خواست شب در شهر رفت و آمد کند باید از آقا اجازه می‌گرفت در غیر این صورت بازداشت می‌شد. اما از آنجا که استاد علی فرد محترمی بود او را بازداشت نکردند. استاد علی به خانه برمی‌گردد. صبح روز بعد همان سه ژاندارم به خانه او می‌آیند و از او می‌خواهند در مغازه‌اش را باز کند تا آنجا را بگردند. زیرا شب قبل در شهر دزدی اتفاق افتاده است. از مغازه لبنیاتی شهر مبلغ قابل توجهی پول که روز قبل معامله شده بود دزدیده شده و شواهد بر آن بود که دزد، استاد علی است. البته دزدان، چوپان را که یکی از طرفین معامله بوده تهدید کرده بودند که به گناهکار بودن استاد علی اقرار کند. استاد علی را به جرم دزدی نزد قاضی می‌برند. قاضی طبق قوانین دستور می‌دهد دست راست استاد علی را قطع کنند. علی با شنیدن این مجازات برای اولین بار در زندگی‌اش رنگ می‌بازد و از قاضی می‌خواهد سر وی را بزند زیرا دستش ابزار کارش است و برایش بسیار ارزشمند می‌باشد. به واسطه خواهش‌های سپاهیان، قبول می‌کند که ثروتمندترین فرد شهر یعنی حاج محمد قصاب دیه وی را بپردازد به شرط آن که استاد علی برای وی خدمتکار و شاگرد باشد. طی یک هفته‌ای که حاج محمد از شاگردی استاد علی

بهره‌مند شده بود، وی را سرزنش می‌کرد و به او یادآور می‌شد که دیه دست راستش را وی پرداخته است. از طرفی هم علی در این یک هفته سکوت کرده بود. تا آن که کاسه صبرش لبریز می‌شود و غرور خود را خدشه‌دار می‌بیند. در نهایت مقابل سرزنش قصاب دست راستش را قطع می‌کند و به او می‌دهد و می‌گوید این هم دیه‌ای که پرداخت کرده بودی، و برای همیشه شهر را ترک می‌کند.

۵- راوی یا زاویه دید

«گوینده یا راوی داستان کسی است که وجود حقیقی دارد و مسئولیت کنش روایت را بر دوش می‌کشد و داستان را به عنوان امری واقعی تعریف می‌کند» (مکاریک، ۱۳۸۴، ۱۳۳). پل ریکور می‌گوید: دیدگاه (بعد) سمت‌گیری نگاه راوی به سوی اشخاص داستان و سمت‌گیری نگاه اشخاص داستانی را به سوی یکدیگر نشان می‌دهد (ریکور، ۱۳۷۱، ۱۶۶).

زاویه دید شیوه‌ای است که نویسنده به وسیله آن داستان را به خواننده منتقل می‌کند. انتخاب شیوه درست و مناسب در نقل داستان اهمیت فراوانی دارد، زیرا رویکرد نویسنده را نسبت به موضوع و محتوای اثر نشان می‌دهد. به طور کلی می‌توان چهار زاویه دید برای روایت داستان در نظر گرفت: ۱) زاویه دید دانای کل، ۲) زاویه دید دانای کل محدود، ۳) زاویه دید اول شخص، ۴) زاویه دید بیرونی (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۳۸۶-۴۱۰).

«در زاویه دید دانای کل، داستان به وسیله نویسنده و از دید سوم شخص بیان می‌شود. او می‌تواند آزادانه و هرگاه اراده کند از افکار و احساسات شخصیت‌ها مطلع شود و اسرار نهان را بر ملا کند و به تفسیر داستان بپردازد.

در شیوه دانای کل محدود، نویسنده از طریق شخص دیگری که در کنار او جای گرفته و از دید او درباره شخصیت‌ها و افکار دیگران اظهار نظر می‌کند. چنان که گویی خودش درباره احساسات و اعمال آنها چیزی نمی‌داند».

میرصادقی در واژه‌نامه‌های هنر داستان‌نویسی راوی دانای کل را، راوی مفسر دانسته است و می‌گوید: راوی مفسر ترفندی است که غالباً واقع‌گرایان قرن نوزدهم هم به کار می‌گرفتند (۱۳۷۷، ۱۱۷).

زاویه دید بر عناصر داستان از جمله شخصیت‌پردازی تأثیر می‌گذارد. در داستان دیه از شیوه روایی دانای کل بهره گرفته شده است و تا پایان داستان نیز بر این شیوه باقی می‌ماند.

۶- شخصیت

«شخصیت از مهم‌ترین عناصر وجودی هر داستان است به عبارت دیگر یک داستان بدون شخصیت نمی‌تواند باشد» (عبدالهیان، ۱۳۸۰، ۱۱۴). «مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و عامل مهم طرح داستان، شخصیت داستانی است» (یونسی، ۱۳۸۴، ۳۳). شخصیت در داستان در واقع همان بینش و جهان‌بینی نویسنده است که در قالب شخصی تقلید شده از جامعه عینیت می‌یابد و محل بروز حالات، احساسات، تجربیات و شناخت نویسنده از جامعه خود است و هیچ‌گونه موجودیتی خارج از چارچوب داستان ندارد.

بحث شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان دیه از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است از جمله از حیث جنس و نوع وجودی که می‌توان فقط یک ساخت از آن استخراج نمود: انسان- انسان: تمامی شخصیت‌های داستان کوتاه دیه، انسانی هستند.

باید توجه داشت که همه این اشخاص در داستان ایستا هستند جز شخصیت علی که شخصیتی پویا دارد چرا که در روند داستان دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. در آخر داستان در اثر ضربه روحی که با تحقیرها و منت‌های قصاب حاصل می‌شود، زمینه دگرگونی در وی به وجود می‌آید.

با توجه به تقسیم‌بندی کلود برمون می‌توان گفت که در داستان دیه، یک شخصیت در حکم کنش‌گر و شخصیت دیگر در حکم کنش‌پذیر می‌باشد و اصولاً کنش‌گر فردی مثبت و اخلاق‌مدار است اما کنش‌پذیر دارای شخصیتی غیر مثبت می‌باشد که صفات اخلاقی وی در تعارض با شخص کنش‌گر قرار می‌گیرد.

عمر سیف‌الدین ابتدا نتیجه کلی و اخلاقی خود را بیان کرده است سپس به معرفی اندیشه شخص قهرمان پرداخته است. پس در این داستان «استاد علی» یک شخصیت کنش‌گر و «ژاندارم»، «چوپان» و «حاج محمد» شخصیت‌های کنش‌پذیر به شمار می‌روند. زیرا استاد علی فردی است با آبرو، درستکار، راستگو، محترم، جوانمرد، شجاع، درون‌گرا، در مقابل ژاندارم فردی بی‌مسئولیت، ظاهربین است. هم‌چنین چوپان خصوصیات اخلاقی همچون ترس، دروغ‌گویی را دارد. قصاب هم فردی است خسیس.

پراپ، شخصیت قهرمان را به دو نوع تقسیم می‌کند: نوع اول، قهرمانی است که از اعمال ضد قهرمان لطمه می‌بیند. وی این نوع قهرمان را، «قهرمان قربانی» می‌نامد. پراپ قهرمانی را که به افراد آسیب دیده از شرارت کمک می‌کند، «قهرمان جست‌وجوگر» می‌نامد (پراپ، ۱۳۸۶، ۸۰). با این تعریف و اوصاف می‌توان علی را قهرمان قربانی دانست که از بی‌عدالتی و تحقیر شدن غرورش خدشه‌دار شده است.

از نظر تعداد شخصیت، در داستان سیزده شخصیت (علی، عمو وی، پدر علی، امیر زمان، دو درویش، دو سرباز، یک ژاندرم، آقای بوداق، چوپان، قاضی و قصاب) مطرح شده است و از میان این سیزده تن فقط هفت نفر در جریان داستان نقش پررنگ‌تر داشته و سخن می‌گویند، باقی به تناسب نقش و تأثیرگذاری بر داستان، از سوی راوی روایت می‌شوند. در بیشتر داستان شخصیت دو نفر است که باهم گفتگو دارند و گاهی هم شخصیت یک نفر (استاد علی با خود) است که گفتگوی درونی یا مونولوگ دارد. فقط در یک قسمت شخصیت در داستان به چهار نفر می‌رسد و آن شب حادثه است که استاد علی با دو سرباز و ژاندارم کنار چشمه در حال گفت‌وگو می‌باشد.

۷- شخصیت‌پردازی

برای معرفی و شناساندن شخصیت به خواننده، به ویژگی‌های ظاهری و باطنی عمل و رفتارهای گوناگون او نیاز داریم و نویسنده برای نمایاندن ابعاد گوناگون شخصیتی اشخاص داستان باید از شگردها و روش‌های متفاوتی استفاده نکند. این شگردها به دو روش مستقیم و غیر مستقیم ترسیم می‌شود. در روش مستقیم خواننده باید از روی خواننده‌ها و شنیده‌ها به شناخت اشخاص داستان برسد و راوی با کلی‌گویی و تعمیم دادن و تیپ‌سازی، فرد مورد نظر خود را معرفی می‌کند. در این شیوه راوی دانای کلی است که از همه چیز خبر دارد و افکار و منش شخصیت‌ها را بیان می‌کند. در روش غیر مستقیم، راوی درباره شخصیت‌ها نمی‌گوید بلکه به نمایش کردار آن‌ها می‌پردازد و خواننده خود باید به منش شخصیت‌ها و خوی و خصلت آن‌ها پی ببرد. «برای شخصیت‌سازی غیر مستقیم از کنش، گفتار، نام، وضعیت ظاهری و محیط استفاده می‌شود» (اخوت، ۱۳۷۱، ۱۴۱). البته داستانی که ترکیبی از این دو شیوه باشد، در شخصیت‌پردازی موفق‌تر است زیرا در این صورت داستان تأثیرگذارتر بوده و موجب برانگیختن احساسات خواننده می‌شود.

اگر بخواهیم به طور دقیق به شیوه‌های شخصیت‌پردازی بپردازیم باید از این سه شیوه استفاده کنیم: (۱) توصیف (۲) رخدادها و وقایع (۳) گفت‌وگو.

۱. توصیف: راوی سعی می‌کند مستقیماً صفات و حالات درونی و ذکر وضعیت ظاهری شخصی و وضعیت محیط، خصلت‌های شخصیت مورد استفاده‌اش را برای خواننده آشکار کند (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۳۰۱).

در داستان دیه، وضعیت کامل ظاهری فردی شخصیت‌ها مانند: ویژگی‌های جسمانی، ظاهری، رنگ، شکل چهره و نوع لباس. بسته به شخصیت ترسیم می‌شود اما همه ویژگی‌های یک نفر به طور کلی بیان نمی‌شود. بدین ترتیب بیشتر از صفات کلی استفاده شده است. سیف‌الدین از ویژگی‌های برجسته‌ای که در طی داستان نقش مهمی را دارند استفاده می‌کند. مانند: خسیس بودن حاج محمد قصاب، ترسو بودن چوپان.

۲. رخدادهای و وقایع: راوی با استفاده از اعمال و کنش شخصیت‌ها در گسترش طرح روایی و همچنین در پی بردن به حالات درونی شخصیت‌ها استفاده می‌کند. استفاده از عمل و کنش برای شخصیت‌پردازی یکی از طبیعی‌ترین و مؤثرترین راه‌های شخصیت‌پردازی است (یونسی، ۱۳۸۴، ۳۵۲). در برخی قسمت‌های داستان دیه می‌توان با استفاده از کنش و واکنش شخصیت به خصلت‌های فردی و درونی وی پی برد. برای مثال: «او بعد از خواندن نماز صبح در مغازه‌اش کار می‌کند، با کسی صحبت نمی‌کند، در مغازه‌اش را همیشه قفل می‌کند» می‌توان دانست که او شخصیتی مؤمن، فعال، غیر اجتماعی و محتاط دارد.

۳. گفت‌وگو: صحبتی را که میان دو شخص یا بیشتر رد و بدل می‌شود یا آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در اثری ادبی پیش می‌آید گفت‌وگو می‌نامند (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۴۶۶). گفت‌وگو در داستان‌نویسی ابزاری کاربردی و مهم است. با توجه به آنکه گفت‌وگو بخشی از زندگی است، نویسنده برای اینکه پندار واقعیت را در خواننده ایجاد کند و بتواند این پندار را در آن‌ها حفظ کند، ناگزیر به اشخاص داستانی خود زندگی می‌دهد (یونسی، ۱۳۸۴، ۳۴۷). با استفاده از گفت‌وگو نویسنده پی‌رنگ داستانش را گسترش می‌دهد، وقایع را پیش می‌برد، درونمایه داستانش را به معرض نمایش می‌گذارد و شخصیت‌هایش را معرفی می‌کند (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۴۶۳).

طرز گفتار هر شخصیتی نشان‌دهنده ذهنیات و خصوصیات فردی وی است، در این داستان آنچه شخصیت می‌گوید اهمیت دارد، زیرا همه شخصیت‌ها یک جور سخن می‌گویند، از یک نحو و دستور در سخن‌هایشان استفاده می‌کنند. هرچند تعداد مونولوگ و دیالوگ‌های داستان کم است اما گفتگوها در داستان دیه برخاسته از متن است و جنبه کارکردی دارند. گفت‌وگو در این اثر بسیار کم و کوتاه است و داستان بیشتر از زبان راوی پیش برده می‌شود. با این حال در گفت‌وگوها جنبه منفی یا مثبت شخصیت‌ها و همچنین خصلت‌ها و منش آن‌ها کاملاً آشکار می‌گردد.

عنصر گفت‌وگو در داستان دیه در سه نوع قابل بررسی است:

الف. گاهی این گفت‌وگو بین دو شخصیت واقع می‌شود بدون هیچ کنش داستانی که می‌توان این‌گونه حکایات را «حکایت‌واره» نامید. در این داستان هر گفت‌وگویی با کنش همراه است اما قسمت‌های حکایت‌واره کوتاهی نیز یافت می‌شود. همچون قسمتی که سرباز از استاد علی می‌پرسد:

- چه کسی آنجاست؟

- علی.

- استاد علی... استاد علی!

- استاد علی تو هستی؟

- بله، منم.

ب. گفت‌وگو، گاهی به صورت تک‌گویی درونی است یعنی از شخصیت داستان به مقتضای موقعیت، رفتاری سر می‌زند و مکمل آن جملاتی است که شخص با خود این‌همان است که به عنوان «حدیث نفس» مطرح می‌شود. مانند عبارات «چه کار کنم، چه کار کنم؟» استاد علی.

پ. گفت‌وگو گاهی به صورت «بیرونی» است، یعنی گفت‌وگو دو جانبه است میان یک شخص با شخص دیگر یا یک شخص با گروهی. برای نمونه:

- استاد علی، می‌خواهیم مغازه‌ات را بگردیم!

- برای چی؟

- دیشب به لبنیاتی آقا بوداق دزد آمده؟

- اا... به من چه ربطی دارد؟

به همین دلیل، مغازه‌ات را می‌خواهیم بگردیم.

۸- استاد علی

«علی» شخصیت اصلی روایت به شمار می‌رود و رویداد داستان، بر اساس شخصیت محوری او پدید می‌آید. در حقیقت شخصیت اصلی فردی است «که در محور داستان قرار می‌گیرد و توجه خواننده به او جلب می‌شود. شخصیت اصلی معمولاً یک نفر و اغلب مترادف «قهرمان اصلی» است» (میرصادقی، ۱۳۷۷، ۷۵). در روایت سیف‌الدین علی شخصی است که در کودکی پدرش را از دست داده و از آن پس با عمویش زندگی کرده است. از آنجا که خط فکری عمو و علی یکی نبود، علی در دوازده سالگی او را ترک می‌کند. به آهنگری می‌پردازد و

در این راه شهرت پیدا می‌کند. در شهر به اشتباه به عنوان دزد دستگیر شده و با مجازات قطع دست راستش روبه‌رو می‌شود. اما سپاهیان برای وی راه چاره‌ای می‌یابند. علی که ملقب به استاد علی بود خودش دستش را قطع می‌کند. سیف‌الدین بیش از ویژگی‌های ظاهری به خصوصیات معنوی و روحی شخصیت بها داده است. او در توصیفات خود بیش از همه به والا بودن روح و غرور استاد علی اشاره می‌کنند. علی را فردی معرفی می‌کند که از همان کودکی این خصلت را در خود می‌پروراند و با گذشت زمان آن را به بلوغ می‌رساند و این همان برهانی است که علی را به ترک عمومی خویش و قطع دست خویش ترغیب کرد. علاوه بر این‌ها سیف‌الدین علی را فردی محکم، با‌آبرو، مغرور، فعال، محترم، محتاط، منزوی، باتربیت، بی‌توجه به مادیات و پایبند به ارزش‌ها معرفی می‌کند که این صفات در شرح و توضیحات مستقیم و غیرمستقیم داستان به دست می‌آید.

از ویژگی‌های ظاهری استاد علی نیز سخن به میان آورده شده است. این خصوصیات بیشتر به دقت، قدرت او در آهنگری و جنگاوری اشاره می‌کند. سیف‌الدین او را فردی بلندقد، چشم‌درشت همراه با دستانی بزرگ توصیف می‌کند.

در ادامه باید خاطر نشان کرد استاد علی دارای شخصیت پویاست زیرا شخصیتش دچار تحول و تکوین می‌شود و ثابت نمی‌ماند. و این تحول طی یک دوره کوتاه یک‌هفته‌ای ایجاد می‌شود.

در توصیف ویژگی‌های ظاهری و باطنی شخصیت‌های این داستان از هیچ‌گونه اغراق، تشبیه، استعاره و دیگر آرایه‌های ادبی استفاده نشده است.

۹- عمومی علی

عمومی علی فردی است که قیومیت علی را بر عهده می‌گیرد. وی وزیر است و در این اندیشه است که علی نیز همچون خودش در حکومت شغلی اختیار کند. علی پس از آن که از تدبیر عمویش آگاه می‌شود وی را ترک می‌کند.

عمومی علی دارای شخصیت فرعی است، زیرا نقش کوچکی در داستان دارد اما تأثیر زندگی وی با علی، در همان مدت کوتاه نیز موجب بالا رفتن جسارت علی می‌شود. این جسارت به مرور رشد کرده تا آنجا که از فرار از خانه به آسیب جسمانی خویش مبدل می‌شود.

شخصیت عمو ایستاست، زیرا در طی داستان دچار هیچ‌گونه تحولی نمی‌شود. در واقع با همان سرعتی که وارد داستان شده است، خارج می‌شود.

۱۰- حاج محمد

حاج محمد، ثروتمندترین فرد شهر است. به طوری که سیف‌الدین ثروت او را به ثروت قارون تشبیه می‌کند. در مقابل او را شخصی خسیس معرفی می‌کند. حاج محمد نزدیک به هفتاد سال دارد اما همچنان در مغازه کوچک خود قصابی می‌کند و از کارهای سنگین و سختی که مناسب با سن او نیستند دست نمی‌کشد. حاج محمد به واسطه‌گری نظامیان که حاضر می‌شود دیه استاد علی را پرداخت کند. در برابر شرط می‌گذارد که علی بدون دستمزد تا آخر عمر برای وی شاگردی کند. طی یک هفته‌ای که استاد علی شاگردی‌اش را می‌کند، مدام علی را سرزنش می‌نماید و به او زخم زبان می‌زند، همچنین مدام یادآور می‌شود که دست علی به خاطر او سالم است.

حاج محمد علاوه بر خساست، اخلاقیاتی چون سرسختی، بی‌رحمی، ترش‌رویی و بهره‌مندی منفی از فرصت‌ها را هم داراست. این ویژگی‌ها هم در تشریح‌های مستقیم و هم در میان‌گفت‌وگوهای او بیان می‌شود.

حاج محمد دارای شخصیت متضاد است. زیرا از نظر خصوصیات درست در نقطه مقابل قهرمان که استاد علی باشد قرار دارد و شخصیت و ویژگی‌های قهرمان را برجسته‌تر می‌کند. از بعد دیگر، شخصیت حاج محمد ایستاست زیرا دچار هیچ تغییر و تحولی نمی‌شود.

۱۱- نتیجه

با آنکه در داستان‌های کوتاه، مجال برای شخصیت‌پردازی نیست، انواع شخصیت و شیوه‌های مختلف پردازش آن‌ها در داستان دیده می‌شود. در معرفی شخصیت‌های داستان نیز با توجه به ساختار آن، گاه نویسنده با توصیفی صریح، شخصیت داستان را معرفی می‌کند و گاه به طور غیرمستقیم و از طریق بیان رفتار و کردار او. در دیه چند نوع شخصیت بیشتر دیده می‌شوند که عبارت‌اند از: ایستا، پویا، نوعی، ساده و قراردادی. اغلب افراد در داستان، شخصیتی ایستا دارند؛ اما شخصیت علی به سبب تحول درونی پویاست.

عمر سیف‌الدین در شخصیت‌پردازی از توصیف (مستقیم)، کنش (غیرمستقیم) و گفت‌وگو بهره گرفته است. با توجه به اینکه محور اصلی روایت، استاد علی است، نویسنده با دقت فراوان، خصوصیات اخلاقی و ارزش‌های معنوی او را نشان می‌دهد. نویسنده اغلب با توصیفات صریح، به معرفی شخصیت می‌پردازد و کمتر از آرایه‌های ادبی استفاده می‌کند. توصیفات صریح و مستقیم تأثیر پایداری در مخاطب نمی‌گذارند؛ اما در این اثر، توصیفات در

راستای جریان داستان است و جریان به نوعی مکمل شخصیت‌پردازی می‌باشد. به همین دلیل تأثیر، عمیق‌تر می‌شود. عناصری که بر شخصیت‌پردازی تأثیر می‌گذارند، مانند زاویه دید، گفت‌وگو و واقعی بودن قهرمان در داستان دیه به گونه‌ای است که شخصیت‌ها را پذیرفتنی‌تر جلوه داده است.

۱۲- منابع

- اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*، اصفهان: فردا.
- پراب، والادیمیر (۱۳۶۸). *ریخت شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- ریکور، پل (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- عبدالهیان، حمید (۱۳۸۰). «شیوه شخصیت‌پردازی». *فصل‌نامه ادبیات داستانی*، شماره ۵۴. (بهار ۱۳۸۰). صص ۶۲-۷۰.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴). *دانش نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.
- میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت (۱۳۷۷). *واژنامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). *عناصر داستان*. تهران: سخن.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۸۴). *هنر داستان‌نویسی*. تهران: نگاه.
- Seyfettin, Ömer. Bilgicik Dershane Home Page, (Son Erişim: 19 Temmuz 2015).
<http://www.bilgicik.com/yazi/diyet-omer-seyfettin/>
- Seyfettin, Ömer, “Diyet”, Edebiyat Öğretimi Home Page, (Son Erişim: 17 Şubat 2016).
<http://www.edebiyatogretmeni.org/omer-seyfettin/>
- Dünden Bugüne Ömer Seyfeddin Sempozyumu* (Günen Belediyesi, 2008).